

علیرضا رئیسیان در گفت‌وگو با اکبر نبوی  
در مجله تصویری «قاف» مطرح کرد

## سیاست‌های سینمایی ۱۰ سال اخیر

### مخاطب را محدود کرد

### فیلم «آسمان غرب» ما را به جهان علی اکبر شیرویی

و نیروی هوایی ارتش می‌برد؛ دنیای دفاع از مردم با دست‌های خالی

# تو آسمون‌ها دنبالت می‌گشتم

با فرمانده مافوقش باید چگونه می‌بود و کدام شیوه در آن دوره از جنگ صحیح بوده است؟ آیا تماشاگر در نهایت شنیفته شرایطی نمی‌شود که وطن و مردم و شرایط موجود، فرماندهی اصلی را به دست می‌گیرند و شیرویی از آن دوگانه ذهنی و حتی سازمانی رها می‌شود؟ کارگردان اگر در پرداخت کاراکتر شهید شیرویی دقیق‌تر می‌بود، می‌توانست در پاسخ به این سوالات، مناسبات کاراکتر با دنیای پیرامونش را به درستی نشان دهد.

عسگری در آسمان غرب از ظهور کارگردانی باهوش، نترس و سینمابلد خبر می‌دهد و شاید اگر کمی دستش بازر بود و نهادها و سازمان‌های مختلف اجازه مانور بیشتری به او می‌دادند خروجی بهتری را شاهد بودیم. سینمای دفاع مقدس و فراتر از آن سینمای ایران به فیلم‌هایی مانند آسمان غرب نیاز دارد و تماشاچی هم از دیدن این جنس فیلم‌ها استقبال خواهد کرد. فیلم‌هایی که هم از تاریخ می‌گویند و هم درباره همه ایران و همه مردم حرف می‌زنند و از تمام کسانی می‌گویند که در جنگ حضور داشتند و اثرگذار بودند. آسمانی که در این فیلم می‌بینیم صرفاً به غرب تعلق ندارد و برای همه ایرانی است که درگیر جنگ بوده و همچنان با عوارض آن دست و پنجه نرم می‌کند. بازی‌های آسمان غرب هم از نکات مثبت آن است. این فیلم می‌تواند برای میلاد کی مرام یک گام بلند در سینما و تاریخ جشنواره باشد. بازیگران نقش‌های کوتاه مانند نادر فلاح، امیرحسین آرمان و حتی کریم امینی هم در آسمان غرب حضور مؤثر و صحیحی دارند و همین‌ها در کنار جلوه‌های ویژه و کارگردانی آگاهانه و مسلط عسگری از آسمان غرب یک اثر قابل قبول و تماشایی ساخته است. پیش‌بینی می‌شود اگر شرایط اکران برای این فیلم به درستی فراهم شود، این اثر سینمایی بتواند در گیشه گلیم خودش را از آب بیرون بکشد. آسمان غرب فیلمی است که هم دفاع مقدسی است و هم جنگی و اکشن و پس از «عقاب‌ها» و «حمله به آج ۳» نمونه مشابهی از آن را در سینمای ایران ندیده بودیم.

### آسمان همه ایران



سید مهدی موسوی تبار  
دبیر فرهیشتگان آنلاین

«آسمان غرب» دومین ساخته محمد عسگری پس از «اتاق گلی» است. یکی از چند فیلم جشنواره امسال است که به زندگی و زمانه فرماندهان دوران دفاع مقدس می‌پردازد. آسمان غرب سراغ سال‌های ابتدای جنگ با محوریت علی اکبر شیرویی رفته است. دورانی که مناسبات جنگی در جبهه غرب گره خورده است و در حکومت مرکزی، بنی صدر فرمانده کل قواست. پیش از این و در اوایل دهه ۷۰ سریال «سیمرغ» هم ساخته شده بود که به زندگی شهیدان شیرویی و کشوری می‌پرداخت و در دوره خودش بینندگان زیادی داشت. حالا و پس از حدود ۳۰ سال، سینما به سراغ شهید شیرویی رفته تا به بهانه نمایش رشادت‌ها و قهرمانی‌های او، به بررسی شرایط جنگ و جامعه آن روز بپردازد.

در آسمان غرب هر چند شعارهایی را در قالب دیالوگ می‌شنویم اما در مجموع با فیلمی واقعی و بدون اغراق مواجهیم. فیلمی که سعی می‌کند روابط فرماندهان و شهدا را قدسی و غیر قابل دسترس نشان ندهد و ابایی ندارد از اینکه نافرمانی‌ها و ناهماهنگی‌ها و گاهی سیاهی‌ها را هم صراحتاً نشان دهد. عموماً وقتی فیلمی درباره خلبان یا نیروی هوایی ساخته می‌شود با هیجانی ذاتی و سکانس‌های انرژیک و پرشور طرفیم. آسمان غرب از این ظرفیت به خوبی و به اندازه استفاده کرده است. سکانس‌های اکشنی که فرور ملی را برانگیخته کرده و گاهی هم قطره اشکی را از گوشه چشم‌ها روان می‌کند. تماشاگر آسمان غرب در حین و پس از پایان فیلم با سوالات متعددی روبه‌رو می‌شود که شاید نتوان برایش جوابی پیدا کرد. نافرمانی شهید شیرویی از دستورات مافوقش چقدر درست بوده و اصلا مرام و معیار نافرمانی چیست و اندازه این دوگانه در تصمیم‌گیری شهید چقدر است؟ نسبت شهید شیرویی

### آسمانی بدون سیمرغ



میلاد جلیل زاده  
خبرنگار گروه فرهنگ

روزهای اول جنگ است. لشکرزهی عراق از غرب کشور و استان کرمانشاه، در حال وارد شدن به خاک ایران است. بنی صدر دستور داده پادگان را خالی کنند و محتویات راغه مهمات امحاءشود. سربازان بعضی بی‌رحمانه پیش می‌آیند و سر راه‌شان حتی از تجاوز و غارت اموال و ناموس مردم ابایی ندارند. علی اکبر شیرویی از دستور رئیس جمهور نترس می‌کند و به همراه دو بالگرد دیگر ستون زهی عراق را قبل از اینکه به دشت برسد و پراکنده شود، زیر آتش می‌گیرد و مردم هم روی زمین مقاومت جانانه‌ای می‌کنند.

فضای روزهای آغازین جنگ و چالش‌های مردم و نظامیان مقاوم با رئیس‌جمهور بنی صدر، کم‌وبیش برای همه ایرانی‌ها آشناست و فیلم‌های زیادی درباره‌اش ساخته شده که این بار چنین حال و هوایی در مناطق کردنشین ایران و همراه با پرتو محبوب شهید شیرویی بازسازی می‌شود. ایده ساخت چنین فیلمی روی کاغذ بسیار وسوسه‌انگیز است چون چند امتیاز مهم دارد. اولاً روزهای ابتدایی هجوم عراق، به دلیل پرتیگر بودن نقش نیروهای مردمی در مقاومت و اینکه جنگ بیشتر از خاکریزی بود، یک جنگ شهری است، دراماتیک‌تر و جذاب‌تر از آب درمی‌آید. ثانیاً شیرویی شخصیت محبوبی است و همین نکته هر فیلمساز را در نمایش شخصیت اصلی فیلمش چند پله جلو می‌اندازد. به عبارتی سیمپاتی مخاطب با شخصیت اصلی فیلم قبل از بسم‌الله ابتدایی تیتراژ شروع شده است و این دوپینگ مهمی برای کارگردان به حساب می‌آید. نکته سومی که چنین ایده‌ای را مستعد تولید می‌کند فیلم‌جانانه می‌کند. جذایستی است که پرزده‌های جنگنده آهنی، مثل هواپیما و هلی‌کوپتر دارند. چه نماهای هوایی از چشم‌انداز خلبان که دشت و دمن را در دورنمای بی‌بند و چه نمای هلی‌کوپتر در افاق یا در موازات سلسله جبال سنگی، همه باشکوه و به شدت سینمایی هستند. حالا باید دید که فیلمساز در چنین بستر

### قهرمانی برای دفاع از آسمان



محمد سجاد حمیدیه  
خبرنگار

«آسمان غرب» یک فیلم دفاع واقعی است. بعد از تماشا فیلم، نمی‌توان عاشق مدافعان این سرزمین نبود. اگر بتوان در تاریخ سینمای ایران، ۱۰ فیلم که موفق شده‌اند به سبب زائر دفاع مقدس برسند را نام برد، آخرین اثر محمد عسگری قطعاً در آن لیست جای خواهد داشت. فیلم به مبارزات شهید اکبر شیرویی در آغازین روزهای جنگ می‌پردازد و قدر شخصیت بزرگی که محور فیلمش قرار داده است را می‌داند. فیلم خیلی خوب شروع می‌شود. نمای انفجار یک مین در بیابان‌های غرب کشور، کات زده می‌شود به پریدن پرنده‌گان از زوری درختی در مراتع سبز شمال؛ با همین کات، بدون دیالوگ و با زبان خالص سینما، مساله‌ای که منطقه را به تمام کشور تعمیم می‌دهد و آن را ملی می‌کند. سپس یک سکانس جذاب و خوش‌ریمت از حمله هلی‌کوپتر اکبر شیرویی، به مهمات دشمن و نابودی آنها را داریم که تماشاگر را به فیلم جذب می‌کند

امنیت کند. سپس وقتی دختر از هوش می‌رود و دکتر برای به هوش آوردنش به صورت او چک می‌زند، شیرویی مانند یک کودک بی‌قرار به دکتر التماس می‌کند آرام‌تر بزند؛ او حتی تحمل وارد شدن این میزان درد به مردمش را نیز ندارد؛ بازی میلاد کی مرام در این سکانس عالی است و به خوبی حس را منتقل می‌کند. خلق چنین کاراکتر متنقض، پیچیده و عمیقی که در میدان جنگ، یک قهرمان دل‌آور است و در برابر مردمش چنین مسائل جنگ بی‌کند می‌کند. در سکانس راه دادن مردم به پادگان، به سرعت شخصیت طغیان‌گر شیرویی، که زیر بار فرمان اشتباه نمی‌رود ساخته می‌شود و این امر، تمام اکت‌های شیرویی در برابر فرمان بنی صدر را توجیه می‌کند. همچنین با بیان نشان‌کنش‌ها و کبر و میلش برای بازگشت به شهر زادگاهش برای ادامه دادن به کشاورزی، ارزش خاک برای او از یک ارزش عام فراتر می‌رود و شخصی می‌شود. یکی از سکانس‌های شاهکار فیلم، جایی است که شیرویی می‌شنود عراقی‌ها به دختری تجاوز کرده‌اند و اکنون دختر از مردان نظامی کمکی نمی‌گیرد، زیرا از آنها می‌ترسد. شیرویی یک کت غیرنظامی روی لباس نظامی‌اش می‌پوشد، تمام مردان نظامی را از کنار دور دور می‌کند و دور و بر دختر را با زان پر می‌کند تا او احساس

و نوبت یک اثر جذاب را می‌دهد. فیلم توانسته بعد از مدت‌ها یک قهرمان در سینمای ایران خلق کند و عجب قهرمانی هم خلق می‌کند؛ فیلمساز وقت تلف نمی‌کند و به سرعت شروع به ساختن کاراکتر اکبر شیرویی می‌کند. می‌بینیم که شیرویی هیچ فرصتی را برای کمک به مردم از دست نمی‌دهد؛ حتی اگر شده پیدا کردن مادر یک دختر بچه باشد، درحالی که دارد درباره مهم‌ترین مسائل جنگ بحث می‌کند. در سکانس راه دادن مردم به پادگان، به سرعت شخصیت طغیان‌گر شیرویی، که زیر بار فرمان اشتباه نمی‌رود ساخته می‌شود و این امر، تمام اکت‌های شیرویی در برابر فرمان بنی صدر را توجیه می‌کند. همچنین با بیان نشان‌کنش‌ها و کبر و میلش برای بازگشت به شهر زادگاهش برای ادامه دادن به کشاورزی، ارزش خاک برای او از یک ارزش عام فراتر می‌رود و شخصی می‌شود. یکی از سکانس‌های شاهکار فیلم، جایی است که شیرویی می‌شنود عراقی‌ها به دختری تجاوز کرده‌اند و اکنون دختر از مردان نظامی کمکی نمی‌گیرد، زیرا از آنها می‌ترسد. شیرویی یک کت غیرنظامی روی لباس نظامی‌اش می‌پوشد، تمام مردان نظامی را از کنار دور دور می‌کند و دور و بر دختر را با زان پر می‌کند تا او احساس